

# ردیه‌های «ابوهریره»

مهدی لطفی

ناپسندی به ایشان داده شده همه از متون معتبر اهل سنت است. با این حال مشاهده می‌کنیم که اغلب ردیه‌نویس‌ها تأکیدشان در سراسر کتابشان بر این است که ایشان این مطالب را به دروغ به ابوهریره نسبت داده است، چنان‌که قبلاً گفته شده ایشان معیار را در ارزیابی شخصیت ابوهریره عقل و اصول مسلم اسلام نبوی و قرآن می‌داند و تقلید کورکورانه و جاهلانه از گذشتگان و اعمال تعصبات فرقه‌ای را در ارزیابی ابوهریره و دیگر اصحاب را مردود شمرده و بحث وافی در خصوص آنان را لازم و واجب می‌داند و صرف صحابی بودن را معیار توفیق افراد نمی‌داند و این‌که ما به سبب صحابی بودن فرد او را از هر لغزش و خطا بری بدانیم، می‌نویسد:

«صحابه عادل حجتند، و باید درباره‌ی صحابه مجهول الحال تحقیق کنیم و افراد جایتکار و گناه‌پیشه قیمتی ندارند و احادیثشان فاقد اعتبار است. عقیده‌ی ما درباره‌ی حاملان حدیث چه صحابی چه غیر آن همین است و کتاب و سنت نیز بر همین استوار است با این حساب ما جاعلان حدیث را اگر چه به اصطلاح از شمار صحابه باشند معصوم از لغزش نمی‌دانیم، زیرا اگر آنان را از لغزش دور بشماریم به خدای عز و جل و رسول خدا و بندگانش او خیانت کرده ایم.»<sup>۱</sup>

دورنمایی از کتاب «ابوهریره»، تألیف مرحوم علامه شرف‌الدین، یکی از آثار ماندگار و جاوید مرحوم علامه سید شرف‌الدین، کتابی است که در شرح حال و ارزیابی کمیت و کیفیت احادیث ابی‌هریره به‌خامه‌شیوای این ابرمرد تحقیق و پژوهش نوشته شده است. این اولین کتابی بود که در خصوص زندگی ابوهریره به صورت تحلیلی و ارزیابی شخصیت ابوهریره و کم و کیف احادیث رسیده از او با تکیه بر عقلانیت و عنایت به مسلمات تاریخی و حدیثی و قرآن کریم نوشته شد.

ایشان در این کتاب در بررسی شرح حال ابوهریره و احادیث رسیده از وی تمام زوایای زندگی او و مسائل مربوط به وی را با نیروی آهنین و نیش نافذ و اعجاب‌انگیز خود از نظر گذرانده و حقیقت را در مورد این راوی ارائه داده است و شخصیت حقیقی ابوهریره را با زدودن مناقب و فضایل مجعول که هواداران ابوهریره، برای زینت وی و جعل شخصیت دروغین برای او از جهره واقعی ابوهریره آشکار سازد. خود مرحوم شرف‌الدین در توصیف کتابش می‌نویسد:

در این کتاب چنان به بحث و پژوهش ژرف پرداخته‌ام که روی حق و حقیقت نمایان گشته است، خدا را بر این کار می‌ستایم. اما درباره‌ی خود ابوهریره به زودی به تاریخ حیات و حالات او آگاهی خواهی یافت، زیرا کنه و حقیقت او را من جمیع الجهات چنان بررسی کرده‌ام که به راحتی او را با همه احساسات درک کنی.<sup>۱</sup>

ایشان در این کتاب به دور از هر تعصب و بغض به بحث پیرامون این مرد پرداخته و عقل و اصول مسلم سنت نبوی و قرآن کریم را داور قرار داده است و تکیه ایشان در نقل مطالب در خصوص ابوهریره همگی از مصادر و منابع معتبر اهل سنت و جماعت است و هرگز در ارزیابی شخصیت این مرد به مصادر شیعی تکیه ننموده است و هرگز موردی را سراغ نداریم که ایشان توهینی یا اهانتی به ابوهریره ننموده باشد یا نسبت ناروایی را از پیش خود به ایشان نسبت دهد و اگر اهانت یا نسبت‌های

۱. ابوهریره، ترجمه نجفعلی میرزایی، ص ۱۳.

۲. همان، ص ۱۵.

و ناسازگار با عقل نقل کرده، به تعظیم و تنزیه او اولی‌تر و با منطق علمی که رسول خدا(ص) از مروجان شریعت و دانشمندان امتش انتظار دارد سازگارتر است.

ما این تحقیق را به دست می‌دهیم تا حقیقت نهفته در سنت راستین و منسوب به رسول خدا بپیراییم و نمایان سازیم و ما یُنطق عن الهوی ... و برای سلامت اندیشه و استی عقیده ... ۳.

هدف شرف‌الدین از بین بردن احادیث مجعولی است که رشته‌های زنجیر بدبختی و افتراق بین امت نبوی است و این احادیث دروغین بود که اختلاف بین امت و حقیقت را به فراموشی سپرد.

#### امواج کتاب شرف‌الدین

نوشتار شرف‌الدین تنها یک کتاب نبود. او با نگاشتن این کتاب مکتبی عظیم احداث کرد که همیشه جاوید و زنده است. از قلم شرف‌الدین امواجی برخاست و روح امید را در دل مسلمین زنده و شاداب ساخت و افراد روشن ضمیر را به پیگیری مباحث کتاب سوق داد و این کار شرف‌الدین با استقبال جامعه علمی شیعه و سنی مواجه شد و افرادی چون احمد امین مصری (عالم معاصر اهل سنت) کار وی را ستودند و کتاب‌هایی در این زمینه تألیف شد و دامنه مباحث به بحث عدالت صحابه کشیده شده و نوشته‌هایی هم در این خصوص نوشته شد.

#### کسانی که در نقد ابوهریره دست به قلم بردند

۱. ابوریه، عالم معاصر اهل سنت، این محقق دانشمند اهل سنت به ندای مرحوم شرف‌الدین در دفاع از سنت نبوی لبیک گفت و با الهام از کتاب‌های شرف‌الدین کتاب اصواء علی السنة المحمديه را نوشت. کتابی هم در خصوص ابوهریره به نام شیخ المضیره تألیف نمود که این کتاب به مراتب چاپ شده و به فارسی هم ترجمه شده که با نام بازگان حدیث چاپ و نشر شده است.

۲. دکتر مصطفی بوهندی، از علمای عرب زبان، کتابی در خصوص ابوهریره نوشته که در سال ۲۰۰۳ میلادی طبع اول آن نشر شده است. کتاب ایشان در ۹۷ صفحه در قطع رقیعی به چاپ رسیده است. ایشان در صفحه ۴۵ کتاب بحثی در خصوص صحابی بودن ابوهریره نموده و با ادله‌ای که بیان داشته صحابی بودن ابوهریره را رد می‌کند و ابوهریره را از جمله کسانی

۳. همان، صفحات ۱۴-۱۶.

منطق شرف‌الدین این است که عقل و سنت قطعیه و قرآن برترین ناخداست که انسان را به سر منزل مقصود می‌رساند و جایگاه صحابه همان شخصیت حقیقی آنان است که داشتند و آیات قرآنی و سنت نبوی و عقل سلیم بر همین مطلب حکم می‌کند و خود صحابه هم معتقد به این بودند و صرف صحابی بودن را ملازم با عصمت نمی‌شمردند که در جای خود مفصلاً بحث شده است.

#### هدف شرف‌الدین از تألیف این کتاب

مخالفین و ناقدین شرف‌الدین تلاششان بر این است که وانمود کنند شرف‌الدین این کتاب را بر مبنای بغض و عناد با صحابه و جهت هدم و ویران نمودن بنای اسلام نوشته است و هر کدام از ناقدین در این زمینه قلم فرسایی نموده‌اند که گویا ارکان اسلام به وثاقت و عدم وثاقت ابوهریره وابسته است.

حال آن‌که بالاترین هدف شرف‌الدین از تألیف این کتاب دفاع و پاسداری از عقلانیت و سنت نبوی است. در منطق حقیقت هم زدودن جعلیات و احادیث دروغین از ساحت اسلام و سنت نبوی آشکار نمودن چهره واقعی و نورانی اسلام ناب است که در زیر جعلیات این دروغ پردازان مخفی مانده است نه به هدم بنای اسلام و متزلزل ساختن ارکان سنت نبوی.

هدف شرف‌الدین از تألیف این کتاب، زدودن پیرایه‌های جعلی و دروغین از ساحت قدس نبوی و دیگر انبیای عظام است که جاعلان حدیث به دروغ به نبی مکرم اسلام نسبت داده‌اند و چیزهایی به انبیای الهی نسبت داده‌اند که عقل نسبت دادن آن مطالب راحتی به بندگان عادی خدا هم روا نمی‌دارد. شرف‌الدین در مقدمه کتابش می‌نویسد:

سنت برتر از آن است که خسار ناخالصی در آن برآید و شخصی چون ابوهریره با نادیده گرفتن وجدان‌های بیدار و هوشمند متعرض مقیاس‌های علمی آن گردد و به رسول خدا(ص) و امتش زشتی بچسباند. هیچ انسانی نمی‌گوید که در برابر این ستم و تباهی که حقیقت و جوهره اسلام را - که خود انسان‌ها را به آزادی و خلاصی از خرافات فرامی‌خواند- در خطر می‌افکند ساکت شویم و به دفاع از حریم آن اقدام نکنیم...

آنان (اهل سنت) ابوهریره، سحره‌بین جنذب، مغیره، معاویه، ابن العاص، مروان و نظایرشان را به سبب تقدیس رسول خدا و این که از اصحابش هستند بی‌گناه و نامقصر می‌شمارند، ما نیز برای تقدیس رسول خدا و سنت او بر آنان انتقاد می‌کنیم...

پیدا است تکذیب کسی که از رسول خدا(ص) سخنی گزاف

دفاع کنندگان از ابوهریره

کتاب شرف الدین موج عجیبی در جامعه اهل سنت به وجود آورد و افراد کثیری را تحت تأثیر قرار داد، عده‌ای همچون احمد امین و رشید رضا و ابوهریره سخنان شرف الدین را تأیید کردند و ناجوانمردانه مورد هجوم رگبار اهانت‌ها جوامع علمی اهل سنت قرار گرفتند و عده‌ای دم فرو بستند. در این میان، عده‌ای هم به دفاع از ابی‌هریره پرداختند و کتاب‌هایی نوشتند که عبارتند از:

۱. عبدالمنعم صالح العلی العزی، کتابی به نام دفاع عن ابی‌هریره در نقد سخنان شرف الدین و ابوهریره نوشت که چاپ دوم آن در سال ۱۹۸۱ میلادی در دارالقلم بیروت چاپ شده است. کتاب در قطع رحلی در ۵۱۵ صفحه چاپ شده است. کتاب با قلم تندی نوشته شده و اولین هنرش این است که ناقدین ابوهریره را یهودی و دشمن اسلام معرفی می‌کند که کلماتی از ایشان ذکر می‌شود.

۲. عبدالله بن یحیی معلمی یمانی، کتابی به نام الانوار الکاشفة لما فی اضواء علی السنة المحمدیه من الزلل و التفصیل و المجازفة در نقد ابوهریره نوشته است که در سال ۱۳۷۸ قمری در «مطبعة السلفية» قاهره در ۳۲۰ صفحه و زبیری چاپ شده است.

۳. محمد عبدالرزاق حمزه، مدیر دارالحديث در مکه مکرمه و مدرس در حرم شریف در مکه، کتابی در رد ابی‌ریه به نام ظلمات ابی‌ریه نوشته است که در سال ۱۳۷۸ قمری در «مطبعة سلفية قاهره» در ۳۲۵ صفحه و زبیری چاپ شده است.

۴. محمد، محمد سماحی، در آخر کتابش المنهج الحديث در ضمن ذکر مؤلفات خود کتابی به نام ابی‌هریره فی المیزان ذکر می‌کند و می‌نویسد کتابی است نقدی، ولی ما به کتابش دسترسی پیدا نکردیم.

۵. محمد عجاج الخطیب، کتابی به نام ابوهریره راویة الاسلام در رد کتاب ابوهریره شرف الدین نوشته است که در مصر چاپ شده است.

۶. عبدالرحمن عبدالله الزرعی، کتابی در دفاع از ابوهریره به نام ابوهریره و اقلام الحاقدين نوشته که چاپ سوم آن در سال

می‌داند که بعد از رحلت نبی اکرم اسلام آوردند، علاوه بر این در صفحه سه احادیث ابوهریره را در کتب نه گانه اهل سنت ۸۷۴ حدیث می‌نویسد. نام کتاب ایشان اکثر ابوهریره می‌باشد.

۳. محقق دانشمند، عبدالله السبیتی، از علمای امامیه کتابی در خصوص ابوهریره فی التیار نوشته که در سیصد صفحه رقی چاپ شده است و این کتاب در رد کتابی است که در رد کتاب ابوهریره مرحوم شرف الدین نوشته شده است.

۴. عالم دانشمند شیعی سید محمد علی الحلو، کتابی در خصوص ابوهریره نوشته که در دارالغدیر قم در سال ۱۲۴ به طبع رسیده است. نام کتاب ابوهریره القاد من المجهول است.

۵. عالم و دانشمند معاصر اهل سنت، احمد امین مصری، که کار شرف الدین را بستوده و از کتاب ایشان تجلیل نموده، مقاله‌ای در توصیف و تمجید از کتاب شرف الدین نگاشته و در مجله ثقافت چاپ شده، در آن مقاله می‌نویسد:

جدیده فی بابه فی الجرأة و تحکیم العقل و قد سبق المعتزله و خاصة النظام بمثل هذا النقد و لكنهم لم يبلغوا هذا المبلغ فی التفصیل و الجرأة و الصراحة ... ۴

علاوه بر این احمد امین کلماتی در ضمن کتاب فجر اسلام و سایر کتبش نوشته است که به نقد ابوهریره پرداخته است. ۵ در دیگر کتاب‌های ایشان هم سخنانی در این زمینه آمده است که دفاع کنندگان ابوهریره هم در کتاب‌های خود ضمن نقد سخنان شرف الدین به نقد سخنان ایشان هم پرداخته‌اند و با این که احمد امین از اعلام اهل سنت است لکن از هیچ توهینی بروی در بیخ نکرده‌اند.

۵. عالم و دانشمند و مفسر معاصر اهل سنت، رشید رضا، کلماتی در نقد ابوهریره دارد که در مجله المنار و تفسیر المنار آمده است. قسمتی از کلمات ایشان را ابوهریره در شیخ المضیره نقل کرده است. ۶ رشید رضا سخن معروفی و پرمغزی در خصوص ابوهریره دارد ایشان می‌گوید:

لو طال عمر عمرَ عمرَ لما وصلت الینانلک الاحادیث الکثیرة؛ ۷ اگر عمر تا آخر عمر ابوهریره زنده می‌ماند این احادیث زیاد از ابوهریره به ما نمی‌رسد.

۶. مرحوم علامه سلطان الوعظین شیرازی هم در ضمن شب‌های پیشاور سخنانی در خصوص ابوهریره دارد. ۸

۷. جولد تسیهر، کلماتی در نقد ابوهریره دارد که عبدالستار در کتابش که در دفاع از ابوهریره نوشته است متعرض به سخنان ایشان شده و سخنانی از ایشان هم نقل کرده است، ولی ما به کتاب ایشان دست نیافتیم و اطلاعی از آن نداریم.

۴. سخنان ایشان در اوایل ابوهریره مرحوم شرف الدین که در دارالتعارف بیروت چاپ شده است، آمده است.

۵. فجر الاسلام، فصل دوم، صفحات ۲۱۶ به بعد، طبع قاهره، مکتبه النهضة، طبع ۱۵.

۶. شیخ المضیره، صفحات ۲۶۰-۲۶۳.

۷. ابوهریره فی التیار، ص ۱.

۸. لیالی پیشاور در صفحات ۳۰۱-۳۰۳ و ۳۱۶-۳۰۲ طبع مؤسسة البلاغ.

۱. بر هر مؤلفی لازم و ضروری است که در نوشتار خود از توهین و فحش احتراز کند و اگر خواست سخنی را نقد کند با ادب و احترام در مقام نقد برآید، ولی مع الاسف آنان در نوشتار خود این را مراعات نکردند و از هیچ اهانت و توهینی به مرحوم شرف الدین دریغ نکردند و حتی احمد امین و ابوریه هم که از اعلام اهل سنت هستند از رکیب توهین های آنان در امان نماندند. روی این جهت آنان ابوریه و شرف الدین را دشمنان اسلام و عامل یهود معرفی کردند که در صدد ویران ساختن بناهای اسلام هستند، یکی از آنان می نویسد:

لکن یهود و یارانشان از حریم اسلام منصرف نشدند و این بار راه دیگری برای مبارزه با اسلام پیش گرفتند و در روایان سنت نبوی تشکیک کردند، هدف اصلی آنان (از تعرض به روایان حدیث) سنت نبوی و اسلام است و این مخذولین (شرف الدین و ابوریه) چون خواستند دین مبین اسلام را رد کنند در حاملین سنت خدشه نمودند.<sup>۹</sup>

مؤلفانی که بعد از وی در صدد دفاع از ابی هریره آمده اند روایتی این مرد را در پیش گرفته اند و اهانت های ناجوانمردانه ای را به مرحوم شرف الدین و دیگران روا داشته اند که گاهی دامنه این اهانت ها به ساحت ائمه معصومین هم کشیده شده است و تلاششان بر این است که شرف الدین را مردی کذاب و افتراگو معرفی کنند و این مطالب را از پیش خود و از روی بغض و کینه گفته است و در مواردی که از جواب در مانده اند قلم را متوجه به شرف الدین نموده و به وی اهانت نموده اند.

۲. در موارد متعددی چون از جواب مانده اند مسلمات تاریخی را انکار نموده و احادیث صحیحه را تضعیف نموده اند و کتاب هایی همچون ربیع الاربار زمخشری و عقد الفرید این عبدربه را که از متون معتبر اهل سنت است فاقد اعتبار معرفی نموده اند تا دامن ابوهریره را امیرا سازند، که گویا ابوهریره فردی معصوم بوده که به هر وسیله ای که شده باید از هر انتقادی در امان باشد که ما دو نمونه را ذکر می کنیم:

الف) مرحوم علامه سلطان الواعظین شیرازی در شب های پیشاور به استناد حدیث نبوی که فرموده: «علی مع الحق، والحق مع علی، یدور الحق حیثما دار علی و «علی مع القرآن و القرآن مع علی، لن یقتربا حتی یراد علی الحوض می نویسد: ابوهریره حق و قرآن را یا جدایی از علی ترک کرد و با پیوستن به معاویه به جنگ قرآن و حق اقدام نمود.<sup>۱۰</sup>

ایشان در جواب می نویسند: هما حدیثان ضعیفان، یعنی دو

۹. دفاع عن ابی هریره، ص ۷.

۱۰. لیلی پیشاور، ص ۳۰۱-۳۰۳.

۱۴۰۶ قمری در دارالارقم کویت در ۱۰۸ صفحه رقیعی چاپ شده است. این فرد کتابی هم به نام رجال الشیعة فی المیزان نوشته که در قطع جیبی چاپ در دارالارقم، کویت در سال ۱۴۰۳ قمری شده است. که ایشان در این کتاب هم گاهی متعرض کلمات مرحوم شرف الدین در المراجعات می شود.

۷. عبدالدین عبدالعزیز بن علی ناصر، کتابی به نام تیره ابوهریره من البهتان نوشته که در قاهره چاپ شده است، لکن ما به کتاب دسترسی پیدا نکردیم.

۸. محمد ضیاء الرحمن الاعظمی در دفاع از ابوهریره کتابی به نام الصحابی الجلیل ابوهریره فی ضوء مرویاته نوشته که ریاض چاپ شده است.

۹- عبدالستار الشیخ، کتابی مفصل در خصوص ابوهریره به نام ابوهریره روایة الاسلام و سید الحفاظ الاثبات در دفاع از ابی هریره نوشته است که چاپ اول آن در سال ۱۴۲۴ هجری قمری در دارالقلم دمشق می باشد. کتاب در هفتصد صفحه و در نقد و رد کلمات مرحوم شرف الدین و ابوریه و احمد امین مصری و مرحوم سلطان الواعظین شیرازی و جولد تهیر می باشد و این کتاب جدیدترین کتاب است که در موضوع نوشته شده است.

۱۰. کتابی هم در رد کتاب دکتر بوهندی نوشته شده است که به نام السهام الکلاسه شبهات بو هندی الخاسره چاپ شده است. کتاب در ۹۳ صفحه وزیری می باشد.

۱۱. محمود شبلی کتابی به نام حیاة ابی هریره نوشته که در سال ۱۴۱۱ قمری در دارالجلیل بیروت چاپ شده است، البته ما ندیدیم ایشان در کتاب، متعرض سخنان شرف الدین یا ابی ریه شود.

اینها نمونه هایی بود از کتاب هایی که در این زمینه و دفاع از ابی هریره نوشته شده است. کتاب های دیگری هم در دفاع از ابوهریره و نقد شرف الدین و ابی ریه نوشته شده که ما به سبب عدم اطالۀ بحث از ذکرشان صرف نظر می کنیم.

گاهی به کتاب هایی که در خصوص دفاع از ابی هریره نوشته شده است ما در این مختصر در صدد نقد و بررسی سخنان ایشان نیستیم و خود مطالب کتاب ابوهریره در نقد سخنان آنان کافی است و ما اگر بخواهیم در صدد رد آنان باشیم باید عین کلمات شرف الدین را با اضافاتی نقل کنیم، سخن ما در این مختصر با مؤلفین کتاب های فوق این است که برای مناظره و احتجاج آدابی است که بر هر فردی التزام به آنها ضروری و لازم است، ولی مع الاسف مؤلفین کتاب های فوق نه تنها به اصول اخلاقی اسلام در نوشته های خود ملتزم نشده اند، بلکه حتی اصول انسانی را هم زیر پا نهاده اند که ما نمونه هایی را ذکر می کنیم:

حدیث مذکور احادیث ضعیفی اند.<sup>۱۱</sup> در حالی که دو حدیث فوق را اعلام و محدثین بزرگ اهل سنت با الفاظ مختلف نقل نموده اند که در برخی سند حدیث صحیح است برای نمونه حاکم در مستدرک آورده که پیامبر فرمود: **علی مع القرآن و القرآن معه**، **لا یفتقر قاحتی یردا علی الحوض** و سند حدیث را صحیح می داند.<sup>۱۲</sup> این حدیث را تعداد کثیری از اعلام اهل سنت ذکر کرده اند. هیتمی در مجمع الزوائد از ابی سعید خدری آورده است که پیامبر اکرم (ص) در حالی که اشاره به علی (ع) می نمود فرمود: **الحق مع ذا، الحق مع ذا**.<sup>۱۳</sup> فخر رازی هم به این حدیث اعتماد نموده و می نویسد: هر کس در دینش به علی بن ابی طالب اقتدا کند به تحقیق هدایت یافته است، چون ثابت شده که پیامبر فرمود: **اللهم ادر الحق مع علی حیث دار**.<sup>۱۴</sup>

ب) در رد سب و لعن معاویه می نویسند:

این قضیه که معاویه علی (ع) را بر منابر مسلمین سب کرده دروغ است، دشمنان معاویه و دولت اموی اند که این دروغ را به وی نسبت می دهند و برای اثبات ادعای خود به تمجید و تجلیل از معاویه می پردازد.<sup>۱۵</sup> حالی که ماجرای سب معاویه از مسلمات تاریخی است که در صحیح مسلم هم که از صحاح اهل سنت است حدیثی در این خصوص ذکر شده است.<sup>۱۶</sup> و سیوطی تصریح می کند که بنی امیه علی (ع) را در خطبه ها لعن می کردند.<sup>۱۷</sup>

۳. در طی مباحث، نسبت های مجعول و دروغی به علمای

شیعه و ائمه معصومین نسبت داده اند، برای نمونه می نویسند:

تکذیب و عدم توثیق ابی هریره افترائی است که متأخرین امامیه گفته اند و گذشتگان علمای شیعه از ابی هریره تجلیل می نمودند و احادیث او را قبول داشتند تا این که بعضی محرفین و دشمنان اسلام و خرده گیرندگان بر صحابه و ابی هریره پیدا شدند و او را دروغگو شمردند و افتراهایی به او نسبت دادند و این بدعتی است که تازه پیدا شده؛ در کتب قدیمی و رجالی شیعه چیزی در رد ابی هریره نیامده است.<sup>۱۸</sup> و برای اثبات ادعای خود ادله ای به صورت مفصل ارائه می دهند که خلاصه اش این است.

- در کتاب های حدیثی شیعه احادیث فراوانی از ابی هریره آمده است و آیت الله مرعشی در ملحقات احقاق الحق فضائلی در مورد اهل بیت از ابی هریره ذکر کرده است.

- اعلام شیعه بر احادیث ابی هریره اعتماد داشتند و بر طبق آن عمل می کردند.

- در کتب قدیمی شیعه مطلبی در خصوص رد ابی هریره ذکر

نشده است.<sup>۱۹</sup>

می گوئیم: اولاً ذکر حدیثی در کتاب از کسی دلیل توثیق او نمی شود، خود ایشان هم به این امر ملتزم بودند، ولی این جا برای تبرئه ابی هریره دروغ می گویند، هرگز ایشان ملتزم نیستند که ذکر روایت از فردی دلیل توثیق اوست و الا علم رجال لغو خواهد بود و ذکر احادیثی در احقاق و کتاب های دیگر در فضائل اهل بیت دلیل توثیق او نیست، بلکه به سبب الزام به خصم است. ثانیاً موردی هم در فقه شیعه نداریم که فقیهی بر اساس حدیث ابی هریره فتوا داده باشد یا در اصول اعتقادی بر مبنای احادیث او معتقد شویم و این ادعای ایشان کذب محض است که گذشتگان بر سخنان ابی هریره اعتماد داشتند و از او تجلیل می کردند.

ثالثاً عدم ذکر ابی هریره در کتب رجالی شیعه دلیل توثیق او نیست، چون کتب رجالی شیعه متکفل بحث از رجال شیعه می باشد. اثری بر بحث از شرح حال و توثیق و عدم توثیق وی مترتب نمی شد و ابی هریره حالش بر همه معلوم بود و همه وی را مردود و غیر موثق می شمردند.

رابعاً در کتب قدیمی شیعه مطالبی در خصوص رد و طعن ابی هریره آمده که نمونه هایی را ذکر می کنیم:

شیخ صدوق در خصائص از امام صادق (ع) نقل می کند که فرمودند

ثلاثة كانوا یكذبون علی رسول الله (ص) ابی هریره، انس ابن

مالک و امرأة؛<sup>۲۰</sup> سه نفر احادیث دروغ از پیامبر نقل

می کردند، ابی هریره و انس بن مالک و یک زنی.

ثقفی در الغارات در ذکر دشمنان علی (ع) می نویسد او کان بالهجاز ابی هریره<sup>۲۱</sup> و ماجراهایی در کتابش در خصوص

۱۱. ابی هریره راویه الاسلام، ص ۵۶۸.
۱۲. مستدرک حاکم، ج ۳/۱۳۴، ح ۴۶۲۸ علاوه بر وی طبرانی در معجم الاوسط، ج ۵/۴۵۵، ح ۴۸۷۷ حدیث را ذکر نموده و سندش را تحسین نموده است. علاوه بر این دو در الصواعق، ص ۷۴-۷۵، الجامع الصغير، ج ۲/۱۷۷، ح ۵۵۹۴ و فیض القدير، ح ۴/۳۵۶ این حدیث آمده است.
۱۳. مجمع الزوائد، ج ۷، ص ۳۵ بعد می نویسند: این حدیث را ابی علی آورده و رجالش از ثقات هستند، مستدابی یعلی، ح ۲/۳۱۸ ح ۱۰۵۲.
۱۴. التفسیر الکبیر، ج ۱، ص ۲۰۵.
۱۵. رجوع شود به: ابی هریره راویه الاسلام، ص ۵۶۸-۵۶۹.
۱۶. رجوع شود به صحیح مسلم، ج ۷، ص ۱۲۰ باب فضائل علی بن ابی طالب.
۱۷. تاریخ الخلفاء، ص ۲۹۰.
۱۸. ابی هریره راویه الاسلام، ص ۲۲۳-۲۲۴ به اختصار.
۱۹. ص ۲۰۸-۲۲۴.
۲۰. خصائص، ابواب ثلاثة، ص ۱۹۰.
۲۱. الغارات، ص ۳۹۱.

وانگهی هر کس نظرش به آن کتاب بیفتد می پرسد: این آیت الله سید حسین موسوی، که خود را از علمای نجف معرفی می کند کیست، کجا درس خوانده و مکتب درسی اش کجا بوده... ولی جوابی بر سؤال خود نمی یابد، چون اصلاً چنین فردی وجود خارجی ندارد. هدف از نوشتن این دروغ هم دو چیز بوده:

۱) جعل هویت برای مؤلف موهوم کتاب لله ثم للتاریخ تا این که بعد از سپری شدن سال ها به استاد این سخن شخصیتی برای مؤلف موهوم لله ثم للتاریخ درست کنند.

۲) تحریک احساسات و عوام فریبی.

۵. موارد فراوانی هست که ایشان در جواب می مانند، ولی به جای اعتراف به حق دامنه بحث را به موضوعات دیگر می کشانند.

۶. والاترین دلیل و قوی ترین دلیل ایشان که حتی حاکم بر قرآن و سنت نبوی و عقل و مسلمات تاریخی است نظریه عدالت تمام صحابه است و این از اصول مسلمة نزد آنان است. به این جهت به هر بهانه ای که شده است هر مطلبی را که در طعن ابی هریره وارد شده رد می کنند و بحث در خصوص عدالت صحابه را ذنب نابخشودنی می شمارند و هرگز اعتراف به دروغگویی ابی هریره نمی کنند، و لو آن حدیث موجب وهن و طعن در نبی مکرم اسلام باشد که گویا ابی هریره از همه بالاتر است که باید دامن وی تطهیر شود به هر قیمتی که باشد.

خلاصه برنده ترین سلاح ایشان در دفاع از ابی هریره این نظریه است که هیچ دلیل و برهانی بر آن نیست و مخالف منطق عقل و قرآن و احادیث نبوی است و به بهانه دفاع از سنت و اسلام، سنت قطعیه نبوی و قرآن را زیر پا گذاشتند. قرآن از وجود منافقین در میان اصحاب خبر می دهد و نبی مکرم اسلام از انحراف اصحابش بعد از خود خبر می دهد، ولی آنان به سبب دفاع از ابی هریره به نظریه عدالت صحابه چنگ زده و قرآن و رسول خدا را تکذیب می کنند. البته آنان باید چنین کنند و عدالت جمیع صحابه را بالاترین دلیل بشمارند، چون اساس و پایه اعتقادشان بر همین استوار است.



ابی هریره نقل می کند که ماهیت ابی هریره از آن معلوم می شود. فضل بن شاذان از علمای صدر اول شیعه در کتاب الايضاح در نقد و رد ابی هریره از ابی خالد و ائلی نقل می کند که گفت: شنیدم علی (ع) در خطبه اش می فرمود «دروغگوترین زندگان بر رسول خدا ابی هریره دوسی است». بعد می نویسد: او در مدینه علی را لعن می کرد.<sup>۲۲</sup>

بعد به سخنی می پردازد که ابی هریره در طعن امیرالمؤمنین گفته بود و علی (ع) را بدعت گذار دین معرفی کرده بود، می نویسد: اگر سخن ابی هریره راست باشد بایستی به بطلان احادیثی ملتزم شویم که در منقبت علی (ع) از زبان رسول اکرم رسیده است و روایان آن احادیث را دروغگو بشماریم. اگر ابی هریره دروغ گفته، که دروغ گفته به تحقیق او هلاک شده و هلاک شده هر کس که به روایت او اعتماد کند هم هلاک شده...

بعد می نویسد:

چون خیر ابی هریره، در لعن علی (ع) به معاویه رسید او را اکرام کرد و والی مدینه نمود.<sup>۲۳</sup>

این نمونه هایی بود از کلمات اعلام شیعه در خصوص ایشان. ۴. وقاحت و بی شرمی را به حد اعلای خود رسانده و برای تحریک عواطف و عوام فریبی به مناسبت ذکر کتاب شب های پیشاور می نویسد:

کتاب شب های پیشاور را سید حسین موسوی به عربی ترجمه کرد، ولی بعداً به راه حق برگشت و سنی شد و کتاب لله ثم للتاریخ را در رد شیعه نوشت، پس شیعیان خون او را حلال کردند و خواندن آن کتاب را حرام نمودند.<sup>۲۴</sup> به این دروغگویی توجه کنید و گریه کنید که اسلام و سنت نبوی اسیر چه کسانی شده است، اگر او در افترا بستن به زندگان این قدر جری باشد، پس با مردگان چه می کند؟!

مترجم کتاب شب های پیشاور از علمای قم است و الان هم بر عقیده خود استوار است و هرگز از حق منحرف نشده است و خودش زنده است و می تواند از حق خویش دفاع کند و کسی نه خونش را حلال نمود و نه به او اهانتی روا داشت.

اما مؤلف کتاب سخیف لله ثم للتاریخ فرد موهومی است که هیچ کس از وی خبر ندارد و اصلاً چنین فردی بر روی کره خاکی نیست، این کتاب ساخته دست وهابیان و دشمنان تشیع است که برای مقابله با کتاب های المراجعات و کتب تبجانی... نوشته شده است، ولی از آن جا که دروغگویی خرد و بی عقل است، شواهد فراوانی در کتاب موجود است که هر کس اندک علمی داشته باشد به دروغ بودن نسبت آن کتاب به فرد شیعه پی می برد.

۲۲. الايضاح، باب تعلیقات محدث ارموی، ص ۶۰.

۲۳. همان، ص ۴۹۴.

۲۴. ابی هریره را وایة الاسلام، ص ۵۵۱.

